

اما تو آیا

درخت

تکلیف شاخه‌هایش را

با جنونِ بهاری پرنده‌ها می‌داند.

پرنده‌ها

تکلیف حنجره‌شان را

با ولگردی نسیمِ بازیگوش می‌دانند.

نفس بهار

-چه بخواهد، چه نخواهد-

از شکاف سنگ‌ها خواهد رویید.

و گوش هوا

- چه بخواهد، چه نخواهد-

از طعم ترانه‌های تر پر خواهد شد.

اما تو،

در این شبانه‌ی استانبولی،

که کهکشان هم راه شیری‌اش را گم کرده است،

-چه بخواهی و چه نخواهی-

آیا

از شهوت دل‌انگیز کلمات

بار خواهی گرفت!؟